

# Research Paper

## Economic Diplomacy and China's Strategy in Regulating Relations With Iran and Saudi Arabia



\***Mohammad Jamshidi**<sup>1</sup> , **Zakiyeh Yazdanshenas**<sup>2</sup> 

1. Assistant Professor of Regional Studies, Faculty of Law and Political Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

2. Ph.D. of Regional Studies, Director of the China's Strategic Considerations Group at the Center for Middle East Studies, Tehran, Iran.



**Citation** Jamshidi M, Yazdanshenas Z. (2022). [Economic Diplomacy and China's Strategy in Regulating Relations With Iran and Saudi Arabia (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 12(Special Issue), 112-127. <https://doi.org/10.22034/SSPP.2022.699883>

 <https://doi.org/10.22034/SSPP.2022.699883>



**Received:** 06 Jul 2022

**Accepted:** 11 Sep 2022

**Available Online:** 22 Nov 2022

### Keywords:

China, Middle East,  
Persian Gulf, Offshore  
Balance, Strategic  
Hedging

### ABSTRACT

In March 2021 during the visit of Chinese Foreign Minister Wang Yi to Tehran and after several months of controversies, Wang and his Iranian then-counterpart Mohammad Javad Zarif finally signed a 25-year bilateral strategic partnership agreement. The agreement promises to expand Iran's relations with the world's second-largest economy. It seems that the current developments in the field of international politics and the intensification of competition between China and the United States on the one hand and the experience of the US withdrawal from the Joint Comprehensive Plan of Action and the failure of the European parties to adhere to their commitments, on the other hand, had clearly heighten Iran's eastward foreign policy. In this regard, one of the questions that arises is about the existing strategic relations between China and Saudi Arabia and China's approach toward the geopolitical competition between Riyadh and Tehran. This article tries to explain China's foreign policy in the Persian Gulf region based on economic diplomacy and examines China's relationship with the two main powers in the Persian Gulf, namely, Iran and Saudi Arabia. Resorting to the strategic hedging strategy, Beijing tries to avoid entering into geopolitical dualities and guarantee its strategic interests by pursuing strategic relations with both great regional powers.

### \* Corresponding Author:

**Mohammad Jamshidi, PhD.**

**Address:** Assistant Professor of Regional Studies, Faculty of law and political sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

**E-mail:** Mjamshidi@ut.ac.ir

## مقاله پژوهشی

# دیپلماسی اقتصادی و راهبرد چین در تنظیم روابط با ایران و عربستان سعودی

\* محمد جمشیدی<sup>۱</sup>، زکیه یزدان‌شناس<sup>۲</sup>

۱. استادیار مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانش آموخته دکتری مطالعات منطقه‌ای، مدیر گروه ملاحظات استراتژیک چین در مرکز مطالعات خاورمیانه، تهران، ایران.

## چکیده

امضای قرارداد ۲۵ ساله مشارکت جامع راهبردی میان ایران و چین در ماه مارس سال ۲۰۲۱ نویدبخش گسترش روابط ایران با دومین اقتصاد بزرگ جهانی است. به نظر می‌رسد که تحولات جاری در عرصه سیاست بین‌الملل و تشدید رقابت میان چین و ایالات متحده از یک سو و تجربه خروج ایالات متحده از برجام و بدعهدی طرف‌های اروپایی در پایبندی به تعهدات خود از سوی دیگر، سیاست نگاه به شرق را در سپهر سیاست‌گذاری خارجی ایران پررنگ‌تر کرده است. یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که پیرامون گسترش روابط راهبردی میان چین و ایران در محافل علمی و سیاسی تکرار می‌شود، روابط راهبردی موجود میان چین و عربستان سعودی و مواضع چین مقابل رقابت‌های ژئوپلیتیکی ریاض و تهران است. این نوشتار به اختصار سعی دارد با تبیین راهبرد چین در خاورمیانه و با برشمردن منافع چین در رابطه با ایران و عربستان، سیاست خارجی این کشور در منطقه خلیج فارس را بر پایه دیپلماسی اقتصادی توضیح دهد. پکن با توسل به راهبرد مصون‌سازی استراتژیک سعی می‌کند از ورود به ۲ گانه‌های ژئوپلیتیکی اجتناب کرده و منافع راهبردی خود را با پیگیری روابط حسنه با ۲ قدرت بزرگ منطقه، یعنی ایران و عربستان سعودی تضمین کند.

تاریخ دریافت: ۱۵ تیر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۱

تاریخ انتشار: ۰۱ آذر ۱۴۰۱

## کلیدواژه‌ها:

چین، خاورمیانه،  
خلیج فارس، موازنه  
نفوذ، مصون‌سازی  
استراتژیک

\* نویسنده مسئول:

دکتر محمد جمشیدی

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، استادیار مطالعات منطقه‌ای.

رایانامه: Mjamshidi@ut.ac.ir

## مقدمه

مختلف منطقه، از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی، ترکیه و رژیم صهیونیستی با امضای قراردادهای مختلف با چین به این طرح پیوسته و میزبان سرمایه‌گذاری‌های عظیم چین در بخش زیرساخت بوده‌اند.

یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که پیرامون گسترش روابط راهبردی میان چین و ایران در محافل علمی و سیاسی تکرار می‌شود، روابط راهبردی موجود میان چین و عربستان سعودی و مواضع چین مقابل رقابت‌های ژئوپلیتیکی ریاض و تهران است. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چین چگونه می‌تواند در منطقه غرب آسیا و در بحبوحه رقابت ژئوپلیتیکی گسترده به تنظیم روابط با قدرت‌های منطقه‌ای مختلف بپردازد. سؤال دیگری که به ذهن متبادر می‌شود، این است که روابط ۲ جانبه ایران و چین و عربستان سعودی و چین در چه تناظری با روابط هریک از این کشورها با ایالات متحده و به طور کلی، جایگاه و نقش ایالات متحده در خاورمیانه قرار می‌گیرد.

برای پاسخ به سؤال‌های فوق در بخش نخست مقاله حاضر، ضمن بررسی منافع چین در غرب آسیا تلاش شده است تا در چارچوب نظری موازنه نفوذ راهبرد کلان چین در منطقه خاورمیانه پس از تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱ بررسی شود. در بخش دوم به طور ویژه بر زیرمنطقه خلیج فارس تأکید شده و با اتکا به انگاره نظری مصون‌سازی استراتژیک، راهبرد چین در خلیج فارس و به طور ویژه در تنظیم روابط با ۲ کشور ایران و عربستان سعودی بررسی شده است.

امضای قرارداد ۲۵ ساله مشارکت جامع راهبردی میان ایران و چین در فروردین سال ۱۴۰۰ نویدبخش گسترش روابط ایران با دومین اقتصاد بزرگ جهانی است. به نظر می‌رسد که تحولات جاری در عرصه سیاست بین‌الملل و تشدید رقابت میان چین و ایالات متحده از یک سو و تجربه خروج ایالات متحده از برجام و بدعهدی طرف‌های اروپایی در پای‌بندی به تعهدات خود از سوی دیگر، سیاست نگاه به شرق را در سپهر سیاست‌گذاری خارجی ایران پررنگ‌تر کرده است.

## ۱. پیشینه پژوهش

امضای تفاهم‌نامه «برنامه همکاری‌های جامع راهبردی» میان ایران و چین، بستر ورود ایران به کلان پروژه کمربند/راه چین را فراهم کرده است. این طرح نخستین بار در سال ۱۳۹۲ از سوی شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین مطرح شد. به گفته مقامات چینی هدف از این طرح گسترش پیوند ۳ قاره آسیا، اروپا و آفریقا با استفاده از مسیر زمینی و دریایی، ایجاد شبکه ارتباطات همه‌جانبه میان کشورهای موجود در مسیر کمربند/راه و گسترش توسعه پایدار در این کشورها اعلام شده است. تاکنون ۱۲۶ کشور و ۵۶ سازمان بین‌المللی در آسیا، اروپا، آفریقا و آمریکای جنوبی توافق‌نامه همکاری با چین را برای مشارکت در این زمینه امضا کرده‌اند (بی‌پینگ، ۲۰۱۶).

خاورمیانه با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و ایفای نقش پل ارتباطی میان آسیای میانه، اروپا و آفریقا جایگاه قابل‌توجهی در طرح کمربند/راه دارد. از ابتدای معرفی این طرح نیز کشورهای

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

### ۱.۱.۲. چارچوب نظری

#### ۱.۱.۲. موازنه نفوذ به جای موازنه قوا: چارچوبی برای تبیین سیاست خارجی چین در غرب آسیا

در نگاه اول ممکن است به نظر برسد که منطقه خاورمیانه با توجه به تحولات و آشوب‌هایی که طی ۲ دهه اخیر تجربه کرده و با توجه به فاصله جغرافیایی آن از سرزمین چین، نمی‌تواند واجد اهمیت راهبردی برای این کشور باشد، اما طی ۴ دهه گذشته اهمیت منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی چین، روزه‌روز افزایش یافته است.

به طور کلی ۴ متغیر اصلی در طول زمان، خاورمیانه را برای چین واجد ارزش استراتژیک و ذاتی کرده است: نخست، منطقه خاورمیانه از دیرباز بستر رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است. عملکرد سایر قدرت‌های بزرگ و به طور ویژه ایالات متحده و روسیه در منطقه برای چین بسیار مهم است، زیرا می‌تواند موازنه قوا را در فضای جهانی تغییر داده یا هنجارهای نظم بین‌المللی را دستخوش تحول کند. دوم، امنیت انرژی چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان به خرید نفت از کشورهای تولیدکننده نفت در منطقه وابسته است. خاورمیانه با تأمین ۴۶/۷ درصد از نیاز چین به انرژی در سال ۲۰۲۰، روسیه را پشت سر گذاشته و به رتبه اول تأمین‌کننده انرژی چین رسیده است (بگ‌سسانلی، ۲۰۲۱). سوم، چین با منطقه خاورمیانه پیوندهای قومی مذهبی دارد. این پیوندها می‌تواند به طور مستقیم بر امنیت ملی چین تأثیر بگذارد. چهارم، خاورمیانه از جایگاهی محوری در طرح کمربند راه‌برخوردار است و از این رو، چین به طور جدی به دنبال گسترش روابط دیپلماتیک با

کشورهای منطقه است (اسکوبل، ۲۰۱۸).

از ابتدای سال ۲۰۱۰ و با آغاز تحولات گسترده سیاسی و اجتماعی در جهان عرب از یک سو و کاهش نیروهای نظامی آمریکا در منطقه از سوی دیگر، ادراک جدیدی درباره اهمیت منطقه خاورمیانه، نزد سیاست‌گذاران چینی شکل گرفته است. ایالات متحده مانند گذشته، دیگر به منابع انرژی خلیج فارس وابسته نیست و برخلاف دهه اول قرن ۲۱، در دهه دوم تهدید اصلی علیه امنیت خود را ظهور رقابت‌های استراتژیک و نه تروریسم تعریف می‌کند. کم‌رنگ شدن حضور ایالات متحده در منطقه خاورمیانه خلأیی ایجاد کرده که به شکلی اجتناب‌ناپذیر، بستر ایفای نقش بیشتری را برای چین فراهم کرده است.

در سال ۱۳۹۴ و ۲ سال بعد از اعلام رسمی طرح کمربند راه‌بر از سوی رئیس‌جمهور چین، وزارت خارجه و وزارت بازرگانی چین به طور مشترک سند چشم‌انداز و اقدام<sup>۱</sup> را منتشر کردند و ضمن برشمردن اهداف طرح کمربند راه‌بر، اولویت‌های همکاری چین و شرکت‌های خصوصی چین با کشورهای در حال توسعه را تشریح کردند (وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی جمهوری خلق چین، ۲۰۱۵).

در همین سال، چین میزبان نشست آسیا/اروپا در چونگ کینگ<sup>۲</sup> بود. در این نشست ۶ کمربند اقتصادی طرح کمربند راه‌بر که از چین آغاز شده و در مسیر اوراسیا و اقیانوس هند امتداد می‌یافتند، اعلام شد. یکی از این کریدورها، یعنی کریدور چین/آسیای میانه/غرب آسیا<sup>۳</sup> به خاورمیانه ختم می‌شود.

1. Vision and Action
2. Chingqing
3. China-Central Asia-West Asia Economic Corridor (CCWAEC)

استفاده چین از دیپلماسی مشارکت بر پایه یک نظام سلسله مراتبی است و در هر سطح، چین اولویت‌های متفاوتی را دنبال می‌کند. در رأس این سلسله مراتب، روابط در چارچوب «همکاری جامع راهبردی» تعریف می‌شود. در این سطح، هدف همکاری کامل و همه‌جانبه در امور منطقه‌ای و بین‌المللی است. با این حال، طرفین درگیر ترتیبات سیاسی و امنیتی پُر هزینه نمی‌شوند. چین تاکنون با ۵ کشور در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا توافق‌نامه همکاری جامع استراتژیک امضا کرده است.

چین، تنها با آن دسته از کشورهای منطقه رابطه خود را در این سطح تعریف کرده است که آن‌ها را مهم‌ترین قدرت‌های منطقه در شکل دادن به مناسبات خاورمیانه و تأمین منافع خود می‌بیند. این کشورها عبارت‌اند از: عربستان سعودی، امارات متحده عربی، الجزایر، مصر و ایران. این ترکیب همچنان نشان می‌دهد که وزن سیاست چین در خاورمیانه بیشتر متمایل به خلیج فارس است. در دومین سطح، روابط در چارچوب «همکاری راهبردی» تعریف می‌شود. در خاورمیانه چین با ۸ کشور شامل جیبوتی، عراق، اردن، کویت، مراکش، عمان، قطر و ترکیه توافق مشارکت راهبردی امضا کرده است. در سطح سوم روابط در چارچوب «مشارکت جامع همکاری جوانانه»، در سطح چهارم روابط در چارچوب «مشارکت همکاری جوانانه» و در سطح پنجم روابط در چارچوب «مشارکت همکاری جوانانه دوستانه» تعریف می‌شود. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که چین با هریک از کشورهای خاورمیانه در چه سالی توافق همکاری امضا کرده است (استراور، ۲۰۱۷).

افزون بر توافق‌نامه‌های مشارکت میان چین و کشورهای منطقه، اسناد متفاوتی نیز منتشر شده که

از زمان اعلام این طرح، چین سعی کرده رابطه خود را با کشورهای منطقه بر پایه رویکرد برد/برد پیش ببرد. چین برخلاف ایالات متحده و کشورهای اروپایی، سابقه استعمار یا مداخله در امور داخلی کشورهای خاورمیانه را ندارد. از این رو، کشورهای مختلف منطقه با وجود اختلافات متعدد با یکدیگر، نگاه مثبتی به برقراری رابطه با چین به عنوان دومین اقتصاد برتر نظام بین‌الملل دارند. چین از آغاز سال ۱۳۹۴ سعی کرده است تا با منطقی توسعه‌محور با همه کشورهای منطقه، از ایران گرفته تا عربستان سعودی و از فلسطین گرفته تا رژیم صهیونیستی رابطه برقرار کند. این رویکرد به چین اجازه داده است بدون درگیر شدن در دعوای سیاسی رایج در منطقه بتواند منافع خود را در خاورمیانه پیش ببرد (فالتون، ۲۰۱۹).

ابزار دیپلماتیک چین برای پیشبرد روابط خود با کشورهای خاورمیانه، دیپلماسی مشارکت<sup>۴</sup> به جای رویکرد ایالات متحده مبتنی بر شکل‌دهی به ائتلاف‌هاست. در ائتلاف، طرف قوی‌تر همواره نگران درگیر شدن در معضلات و مشکلاتی است که طرف ضعیف‌تر ممکن است با آن مواجه شود و طرف ضعیف‌تر هم همواره به طرف قوی‌تر در تأمین امنیت و پیشبرد اهداف خود وابسته خواهد بود. الگوی مشارکت راهبردی با کاهش تعهدات، این نگرانی‌ها را از بین خواهد برد. بر اساس این الگو، طرفین تلاش می‌کنند که در حوزه‌هایی که واجد منافع مشترک هستند، همکاری کرده و به مدیریت رقابت‌های سیاسی بپردازند. به عبارت دیگر، همکاری بر سر تحقق منافع مشترک، هدف‌محور و نه تهدیدمحور است (کوآن و مین، ۲۰۱۹).

4. Partnership Diplomacy

نفوذ ایالات متحده در منطقه خاورمیانه برای چین از اولویت برخوردار است. تشدید رقابت چین و ایالات متحده در سطح جهانی نیز این هدف را در سیاست خارجی چین پُررنگ‌تر می‌کند.

اما رویه چین برای دستیابی به این هدف با رویکرد ایالات متحده و سابقه دیگر قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه متفاوت است؛ چین به جای استفاده از قدرت نظامی و تلاش برای گسترش پایگاه نظامی یا پیاده کردن سربازان خود در منطقه، ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی را ترجیح می‌دهد. به عبارتی، می‌توان گفت چین سعی می‌کند بدون حضور نظامی مستقیم و گسترده، نفوذ دیگر قدرت‌ها را در منطقه موازنه کرده و با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی نقش‌آفرینی خود را در خاورمیانه تعریف کند.

بررسی رویکرد چین در قبال جنگ سوریه، جنگ لیبی و مذاکرات هسته‌ای با ایران نیز این موضوع را تأیید می‌کند. به بیان روشن‌تر، چین موازنه نفوذ با استفاده از ابزارهای اقتصادی و دیپلماتیک را جایگزین موازنه قوا با استفاده از ابزارهای نظامی کرده است. مهم‌ترین مزیت این رویکرد برای چین، اجتناب از درگیری مستقیم با ایالات متحده و هزینه‌های گزاف آن، در عین پیشبرد اهداف خود در منطقه است.

چین از ۲ طریق سعی می‌کند به طور غیرمستقیم نفوذ ایالات متحده را در منطقه کاهش داده و بدون درگیری نظامی، دست به تعدیل موازنه قوا در منطقه، به ضرر ایالات متحده بزند: نخست، با حمایت از آن دسته از بازیگران منطقه‌ای که نظام سیاسی آن‌ها ماهیتی ضدغربی دارد و دوم، با استفاده از ترتیبات نهادی منطقه‌ای و جهانی موجود.

مسیر همکاری چین با کشورهای منطقه بر اساس آن ترسیم شده است. اولین سند در این راستا، همان سند چشم‌انداز و اقدام است که جایگاه خاورمیانه را در طرح کمربند راه روشن می‌کند. در این سند به ۲ ابتکار عمل چندجانبه شامل انجمن همکاری دولت‌های عرب و چین<sup>۵</sup> و گفت‌وگوی راهبردی چین و شورای همکاری خلیج فارس<sup>۶</sup> اشاره شده است.

سند مهم دیگری که نحوه همکاری چین با کشورهای خاورمیانه را روشن می‌کند، سند امنیتی چین-اعراب<sup>۷</sup> است که در سال ۱۳۹۴ و هم‌زمان با سفر شی جین‌پینگ به خاورمیانه منتشر شد. این سند الگوی همکاری ۳+۲+۱ را معرفی می‌کند. بر اساس این الگو چین و کشورهای عرب منطقه بحث انرژی را هسته همکاری‌های خود، گسترش زیرساخت‌ها و تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری را به عنوان ۲ بال همکاری‌ها و نیز فناوری‌های پیشرفته و نوین در حوزه انرژی هسته‌ای، ماهواره فضایی و انرژی‌های نوین را به عنوان ۳ گام مهم جهت دستیابی به موفقیت در ارتقای همکاری‌ها قرار دادند (حسنی، ۱۳۹۹).

### ۳. یافته‌های پژوهش

#### ۳.۱. راهبرد چین در غرب آسیا

بنابر موارد یادشده، خاورمیانه واجد ارزش ذاتی برای چین است و بدیهی است که چین برای حفاظت از منافع خود و تضمین دستیابی به منابع و بازار این منطقه، به دنبال کاهش سلطه سایر قدرت‌های بزرگ بر منطقه باشد. طی چند دهه اخیر، ایالات متحده مهم‌ترین قدرت خارجی مداخله‌گر در خاورمیانه بوده است. از این رو، کاهش

5. China-Arab States Cooperation Forum (CASCF)

6. China-GCC Strategic Dialogue

7. China Arab Policy Paper

## ۲.۳. مصون‌سازی استراتژیک: چارچوب تبیینی سیاست خارجی چین در خلیج فارس

### ۱.۲.۳. رابطه چین و عربستان سعودی

در میان کشورهای عرب منطقه، عربستان سعودی مهم‌ترین تأمین‌کننده منابع انرژی چین است و بیشترین مرادفات اقتصادی را با پکن دارد. در سال ۲۰۲۰ و با وجود تأثیر همه‌گیری کرونا بر رشد اقتصادی چین، واردات انرژی چین از عربستان سعودی با رشدی ۱/۹ درصدی به ۸۴/۹۲ میلیون بشکه در سال یا ۱/۶۹ میلیون بشکه در روز رسید. در این سال عربستان توانست با پشت سر گذاشتن روسیه به اولین تأمین‌کننده نیاز انرژی چین تبدیل شود (مایو، ۲۰۲۱).

عربستان سهم گسترده خود از بازار انرژی چین را مرهون تلاش‌ها برای ارتقای سطح همکاری‌های ۲ جانبه است که از سال ۲۰۱۶ آغاز شد. در خلال سفر شی جین پینگ به خاورمیانه در این سال، او با ملک سلمان در ریاض دیدار کرد و ۲ کشور توافق کردند که سطح روابط را به مشارکت راهبردی استراتژیک ارتقا دهند. پس از اعلام برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ از سوی عربستان سعودی در نشست گروه ۷ در همین سال، ریاض و پکن کمیسیون مشترک برای پیوند طرح کمربند راه و برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ تشکیل دادند. پس از ۶ ماه، کمیته‌های فرعی مسئول پیشبرد هدف ارتقای سطح روابط ۲ جانبه به سطح مشارکت جامع راهبردی در حوزه‌های انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری، فرهنگ، فناوری و گردشگری شدند. در راستای تکمیل این مشارکت، عربستان سعودی به بانک آسیایی توسعه زیرساخت<sup>۱۰</sup> نیز پیوست (تصویر شماره ۱) (خوان و همکاران، ۲۰۱۸).

شی جین پینگ در سفر خود به خاورمیانه در سال ۲۰۱۶ به ایران نیز سفر کرد. از دستاوردهای این سفر تصمیم ۲ کشور به ارتقای سطح روابط خود به مشارکت جامع راهبردی بود. با وجود این، اولین

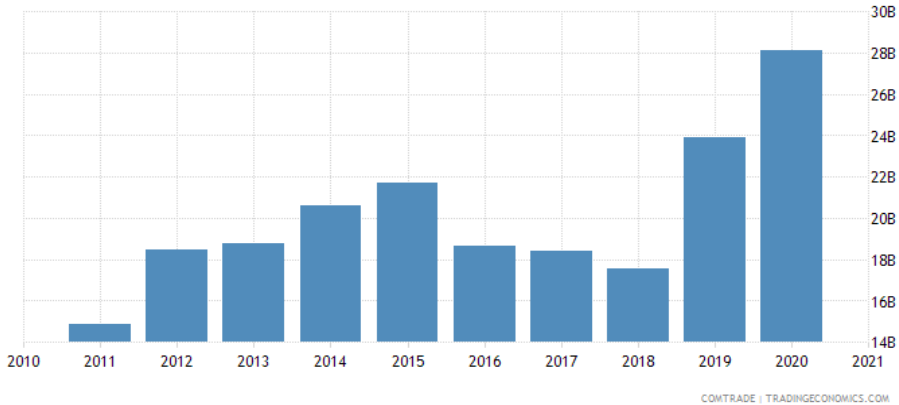
پنجمین اکسپوی چین و دولت‌های عرب از ۱۹ تا ۲۲ اوت در شهر بین‌چوان<sup>۸</sup>، پایتخت منطقه خودمختار نینشیاهووی<sup>۹</sup> در شمال غرب چین با هدف به نمایش گذاشتن دستاوردها در حوزه‌های اقتصاد دیجیتال، انرژی پاک، منابع آب، کشاورزی مدرن، غذای سبز، تجارت الکترونیک و همکاری در حوزه توریسم برگزار شد (سی‌جی‌تی‌ان، ۲۰۲۱). این نمایشگاه برای اولین بار به صورت هم‌زمان مجازی و حقیقی برگزار شده و بیش از ۱۰۰۰ شرکت داخلی و خارجی در آن شرکت کردند. بنابر آمار وزارت بازرگانی چین، سطح تجارت کشورهای عرب و چین به ۲۳۹/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده است. چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری کشورهای عرب بالغ بر ۲۵۰ میلیون تن نفت خام از این کشورها وارد کرده است. این مقدار حدود نیمی از نیاز فزاینده چین به منابع انرژی را تشکیل می‌دهد (گلوبالینک، ۲۰۲۱).

برگزاری این اکسپو نشان‌دهنده اهتمام طرفین به گسترش روابط و ارتقای سطح مشارکت راهبردی چین و کشورهای عربی است و یکی از مهم‌ترین هدف‌های آن ایجاد بستری برای پیشبرد طرح کمربند راه است. اکسپوهای قبلی چین و کشورهای عربی توانست بالغ بر ۵ هزار شرکت از ۱۱۲ کشور جذب کند و منتهی به امضای ۹۳۶ پروژه همکاری شد. بسیاری از کشورهای عرب منطقه تاکنون به طرح کمربند راه پیوسته‌اند. چین ۱۹ سند همکاری مرتبط با این کلان پروژه با کشورهای عرب امضا کرده است (هی، ۲۰۱۱).

8. Yinchuan

9. Ningxia Hui

10. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)



تصویر ۱. مشارکت، عربستان سعودی به بانک آسیایی توسعه زیرساخت

Source: China exports to Saudi Arabia, Trading Economics, <https://tradingeconomics.com/china/exports/saudi-arabia>

چین به دلایل مختلف اهمیت قابل توجهی برای عربستان سعودی و رابطه ۲ جانبه با این کشور قائل است: نخست، تجربه تاریخی نشان می‌دهد عربستان سعودی شریک قابل اعتمادی برای همه خریداران نفت آن بوده است. دوم، پادشاهی عربستان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت در جهان است و توان تولید نفت آن در حال حاضر بالغ بر ۱۲ میلیون بشکه در روز است. سوم، افزون بر منابع در حال استخراج نفت، عربستان بیش از ۱۷ درصد ذخایر نفت جهان را در دست دارد. چهارم، عربستان در میان کشورهای عرب منطقه، از بزرگ‌ترین اقتصاد برخوردار بوده و عضو گروه ۲۰ است و پنجم، چین به نقش کلیدی عربستان در اوپک و تعیین قیمت جهانی نفت آگاه است (التمیمی، ۲۰۱۲). با توجه به دلایل ذکر شده می‌توان اهمیت عربستان سعودی را برای چین در کلیدواژه تضمین امنیت انرژی خلاصه کرد.

توافق‌نامه رسمی برای عملیاتی کردن این هدف در مارس سال ۲۰۲۱ میان ۲ کشور در تهران به امضا رسید. بر اساس این توافق، ۲ کشور در حوزه‌های مختلف، از جمله انرژی، زیرساخت، ارتباطات و فناوری به گسترش همکاری‌ها خواهند پرداخت.

تاریخ رابطه دیپلماتیک میان چین و عربستان سعودی به سال ۱۹۳۹، یعنی زمانی برمی‌گردد که پادشاهی عربستان به عنوان اولین کشور عرب، رابطه سیاسی با چین را عادی‌سازی کرد. روابط ۲ جانبه با امضای توافق‌نامه مودت میان ۲ کشور در سال ۱۹۴۶ در جده نزدیک‌تر شد، اما با به قدرت رسیدن حزب کمونیست چین در سال ۱۹۴۹ رابطه دیپلماتیک میان ۲ کشور قطع شد. با این حال، پس از سال ۱۹۷۹، یعنی با آغاز فرایند اصلاحات اقتصادی در چین، پیوندهای غیررسمی میان ۲ کشور برقرار و سرانجام با گسترش مراودات، رابطه دیپلماتیک رسمی میان پکن و ریاض بار دیگر در سال ۱۹۹۰ احیا شد (التمیمی، ۲۰۱۳).



## جدول ۱. مشارکت راهبردی چین و کشورهای منطقه

کشور	سطح روابط	سال امضای توافق
الجزایر	مشارکت جامع راهبردی	۲۰۱۴
جیبوتی	مشارکت راهبردی	۲۰۱۷
مصر	مشارکت جامع راهبردی	۲۰۱۴
ایران	مشارکت جامع راهبردی	۲۰۱۶
عراق	مشارکت راهبردی	۲۰۱۵
اردن	مشارکت راهبردی	۲۰۱۵
کویت	مشارکت راهبردی	۲۰۱۸
مراکش	مشارکت راهبردی	۲۰۱۶
عمان	مشارکت راهبردی	۲۰۱۸
قطر	مشارکت راهبردی	۲۰۱۴
عربستان سعودی	مشارکت جامع راهبردی	۲۰۱۶
ترکیه	مشارکت راهبردی	۲۰۱۰
امارات متحده عربی	مشارکت جامع راهبردی	۲۰۱۸

منبع: (فالتون، ۲۰۱۹)

و برنامه‌ها است. گسترش روابط ۲ جانبه میان ۲ کشور در سال‌های اخیر موجب گسترش همکاری‌ها در حوزه انرژی، تجارت و بازرگانی و سرمایه‌گذاری شده است. در فوریه سال ۲۰۱۹ عربستان سعودی بالغ بر ۳۰ توافق‌نامه همکاری اقتصادی با چین به امضا رساند که ارزش آن بیش از ۲۸ میلیارد دلار تخمین زده شده است. چین از سال ۲۰۱۱ به بعد به مهم‌ترین شریک تجاری ریاض تبدیل شده است (چن، ۲۰۲۰). بنابر آمار سازمان ملل ارزش صادرات چین به عربستان سعودی در سال ۲۰۲۰ معادل ۲۸/۱ میلیارد دلار اعلام شده است.

عربستان نیز چین را بازاری مهم برای مهم‌ترین فرآورده تولیدی خود، یعنی نفت می‌داند. از زمان وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، عربستان سعودی بازتنظیم روابط خود را با دیگر قدرت‌های بزرگ جهانی، افزون بر ایالات متحده در دستور کار قرار داد. افزون بر این، تحولات شکل‌گرفته در بازار عرضه و تقاضای انرژی، عربستان را بیش از پیش به سوی شرق و به طور ویژه به سوی چین سوق داده است (فالتون، ۲۰۲۰).

کلان‌پروژه کمربند راه و چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی واجد هم‌پوشانی‌های قابل توجهی در اهداف

### ۲.۲.۳. رابطه ایران و چین

بخش مهمی از قرارداد ۲۵ ساله میان ایران و چین نیز ناظر به همکاری‌های ۲ جانبه در حوزه انرژی است که اهمیت آن در چارچوب درک سیاست کلان چین در حوزه انرژی قابل درک است. دوم، ایران خلاف عربستان سعودی و سایر تأمین‌کنندگان انرژی در خلیج فارس، متحد یا شریک استراتژیک ایالات متحده نیست و در صورت تشدید جنگ تجاری میان چین و ایالات متحده، از فروش نفت و گاز به پکن صرف‌نظر نخواهد کرد. سوم، سلطه ایران بر تنگه هرمز به عنوان تنها آبراهی که خلیج فارس را به آب‌های آزاد متصل می‌کند، به چین این اطمینان خاطر را می‌دهد که در صورت بروز شرایط بحرانی، جریان انتقال انرژی از خلیج فارس به چین مخدوش نخواهد شد (صالح و یزدان‌شناس، ۲۰۲۰).

چهارم، موقعیت جغرافیایی ایران، این کشور را واجد اهمیتی راهبردی در پیشبرد کلان پروژه کمربند/راه می‌کند. ۲ دالان از ۶ دالان زمینی طرح کمربند/راه از ایران می‌گذرد. این ۲ دالان عبارت‌اند از: دالان اقتصادی چین/آسیای میانه/آسیای غربی و دالان اقتصادی چین/پاکستان. دالان اول خود از ۲ کریدور فرعی شامل کریدورهای کاسپین، کریدور میانی، کریدور تاریخی شمالی و کریدور تاریخی جنوبی تشکیل می‌شود. در این میان ۲ کریدور تاریخی شمالی و جنوبی از ایران می‌گذرند. دالان اقتصادی چین و پاکستان هم شامل ۲ کریدور فرعی می‌شود که از بین آن‌ها کریدور قراقرم/زاگرس (مسیر چین/پاکستان/ایران) از ایران می‌گذرد (حسینی، ۱۳۹۹).

به طور کلی رابطه دیپلماتیک میان چین و ایران نسبت به روابط مشابه میان چین و عربستان سعودی از قدمت بیشتری برخوردار است. آغاز رابطه دیپلماتیک میان تهران و پکن به سال ۱۹۱۱ بازمی‌گردد. با این حال، در سال ۱۹۴۹ و با پیروزی حزب کمونیست در چین، رابطه ۲ کشور به سردی گرایید. در این دوران ایران چین را محکوم به حمایت از حزب توده کرده و چین نیز از ایران به خاطر اتخاذ سیاست‌های امپریالیستی انتقاد می‌کرد. در سال ۱۹۷۱، ۲ کشور بار دیگر تصمیم گرفتند پیوندهای دیپلماتیک را احیا کنند. روابط ۲ جانبه با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ادامه یافت و مشارکت چین در پروژه‌های بازسازی بعد از جنگ و به طور ویژه اشتراک نظر طرفین در مخالفت با سلطه غرب و به طور ویژه ایالات متحده، ۲ کشور را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرد (التمیمی، ۲۰۱۲).

ایران نیز در سیاست خارجی چین واجد ارزش قابل توجهی است. نخست، ایران می‌تواند نقشی قابل توجه در تأمین امنیت انرژی چین بازی کند. اگرچه هم اکنون سهم ایران از بازار واردات انرژی چین در مقایسه با عربستان سعودی بسیار کمتر است، اما برخورداری ایران از ۲۵ درصد ذخایر نفت خاورمیانه و ۱۲ درصد ذخایر نفت جهان<sup>۱۱</sup> جایگاه این کشور را در ماتریس سیاست انرژی چین بالا می‌برد.

سیاست انرژی چین در سال‌های اخیر تغییر کرده و مقامات چینی به جای تکیه بر معاملات نقطه‌ای نفت خام، امضای قراردادهای بلندمدت و تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی را در دستور کار قرار داده‌اند.

11. <https://www.eia.gov/international/analysis/country/IRN>

### ۳.۳. دیپلماسی اقتصادی چین در خلیج فارس و تنظیم روابط چین با عربستان سعودی و ایران

بنابر آنچه که پیشتر ذکر شد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ایران و عربستان سعودی برای چین واجد اهمیت راهبردی هستند. پکن سعی دارد از رویه واشنگتن مبنی بر اتکا به سیاست اتحاد و ائتلاف دوری کند تا به دام انگاره «با ما یا علیه ما» نیفتد. چین ضمن حفظ روابط حسنه با ۲ قدرت مهم منطقه‌ای، یعنی عربستان سعودی و ایران به دنبال تضمین حداکثری منافع خود در منطقه از طریق پیگیری دیپلماسی اقتصادی است.

دیپلماسی اقتصادی، بخشی از سیاست خارجی منطقه‌ای چین است. پکن دیپلماسی اقتصادی را به شکلی راهبردی به کار می‌برد، به گونه‌ای که بتواند از امنیت ملی خود دفاع کرده و آن را ارتقا دهد. امنیت ملی چین بر پایه ارتباط تنگاتنگ موضوعات اقتصادی و امنیتی تعریف شده و در ادراک مقامات چین شامل مجموعه‌ای از موضوعات امنیتی سنتی (نظامی) و غیرسنتی (مانند مسائل اقتصادی، انرژی و تأمین غذا) می‌شود. بر این اساس، دیپلماسی اقتصادی چین، تلاشی برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی با پیاده‌سازی طرح‌های دولتی است که بازیگران تجاری را در خدمت اهداف امنیت ملی جامع به کار می‌گیرد (گارلیک، ۲۰۲۰).

تأمین منافع امنیت ملی چین در خلیج فارس با اولویت تضمین امنیت انرژی، مستلزم اجتناب حداکثری از ورود به رقابت‌های منطقه‌ای میان عربستان سعودی و ایران است. در حالی که پکن امیدوار است بتواند توسعه منطقه‌ای را به شکلی پیش ببرد که ضمن گسترش پیوندهای اقتصادی و ارتباطی با کشورهای مختلف منافع امنیتی خود

را تأمین کند، به این نکته نیز به خوبی واقف است که نمی‌تواند مسئله رقابت‌های همیشگی میان همسایگان را حل کند. بنابراین دولت شی جین پینگ تلاش می‌کند در تنظیم سیاست خود در منطقه خلیج فارس همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد نگذارد. با حمایت از هر ۲ قدرت منطقه‌ای، چین سعی می‌کند قرار گرفتن در معرض خطر به حداقل و فرصت بهبود روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس و تضمین جای پای پایدار در منطقه را به حداکثر برساند (گارلیک، ۲۰۲۰).

بهترین مفهوم برای توصیف سیاست خارجی منطقه‌ای چین در خلیج فارس مفهوم مصون‌سازی استراتژیک<sup>۱۲</sup> است. دیپلماسی اقتصادی چین در منطقه بر پایه این مفهوم پیگیری می‌شود. مصون‌سازی استراتژیک، اصطلاحی است که از علم مالیه اقتباس شده است. اگرچه در ادبیات روابط بین‌الملل، به طور کلی از این مفهوم برای تبیین راهبرد قدرت در حال خیزش مقابل ابرقدرت مستقر یاد می‌شود، در اینجا با بازگشت به معنای مصون‌سازی استراتژیک در ادبیات علم مالیه، این مفهوم برای تشریح تخفیف مخاطرات، با تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌های راهبردی هم کاربرد دارد.

با این توضیح، مصون‌سازی استراتژیک می‌تواند دیپلماسی اقتصادی چین در خلیج فارس را به بهترین شکل توضیح دهد. چنین فهمی از دیپلماسی اقتصادی چین به ما کمک می‌کند که رابطه میان فاکتورهای سیاسی و اقتصادی را در سیاست خارجی چین درک کرده و تحلیل خود را محدود به فهم موضوعات امنیتی و ژئوپلیتیکی نکنیم. البته این به

12. Strategic Hedging

نشان بدهد که چین خواهان گسترش نفوذ خود در مناطق حساس و راهبردی خلیج فارس و ایجاد بستر مناسب برای گسترش حضور خود در آینده است.

افزایش نفوذ چین در خلیج فارس در چارچوب روابط آن با ۲ قدرت مهم منطقه‌ای، یعنی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران قابل تبیین است. سابقه روابط دیپلماتیک میان چین و عربستان سعودی به ۳۰ سال و میان چین و ایران به ۵۰ سال می‌رسد. چین مهم‌ترین مقصد صادرات منابع انرژی ایران و عربستان و مهم‌ترین شریک تجاری ۲ کشور است. ریاض و تهران همچنین توافق‌نامه مشارکت جامع راهبردی با پکن امضا کرده و با درک تحولات جاری در عرصه سیاست بین‌الملل نگاه به شرق را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده‌اند.

سؤال مهمی که در آستانه گسترش روابط جمهوری اسلامی با چین و امضای قراردادهای متنوع برای گسترش همکاری‌های ۲ جانبه در بخش‌های انرژی، تجارت، زیرساخت و فناوری باید به آن پاسخ داده شود، این است که با وجود رقابت‌های ژئوپلیتیک پیچیده میان ایران و عربستان، چین چگونه روابط خود را با آن‌ها تنظیم می‌کند. نگاه به سابقه رابطه چین با کشورهای منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی بیش از هر چیز موتور محرکه سیاست خارجی چین در این منطقه است. بر این اساس، پکن سعی دارد با اتکا به انگاره مصون‌سازی استراتژیک، از ورود به تعارضات و رقابت‌های ژئوپلیتیکی اجتناب کرده و ضمن پیشبرد منافع اقتصادی حداکثری در ارتباط با ۲ کشور، نفوذ سیاسی خود را در منطقه گسترش دهد.

توجه به این نکته در سیاست‌گذاری‌های عرصه سیاست خارجی اهمیت قابل‌توجهی دارد. بر این

معنای نادیده گرفتن موضوعات ژئوپلیتیکی و انکار تأثیر آن بر سیاست خارجی منطقه‌ای چین نیست.

## بحث و نتیجه‌گیری

شناخت منافع و اهداف چین در خاورمیانه و همچنین درک راهبرد فعلی آن در منطقه می‌تواند چراغ راهی برای سیاست‌گذاران ایرانی در آستانه گسترش روابط راهبردی با پکن باشد. بی‌تردید گسترش روزافزون قدرت جهانی چین و استقبال قابل‌توجه سایر کشورهای منطقه از پیوستن به طرح کمربند/راه نشان‌دهنده ضرورت گسترش روابط راهبردی با پکن در قرن ۲۱ است. این روابط می‌تواند تسهیل‌کننده مسیر توسعه اقتصادی با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور باشد. با وجود این، نگاه به گسترش حضور چین در منطقه به عنوان ابزاری در راستای تغییر مناسبات امنیتی خاورمیانه در کوتاه‌مدت، با واقعیت سیاست خارجی چین تطابق ندارد.

با توجه به این نکته که منطقه شرق آسیا و به طور ویژه دریای چین جنوبی در مناسبات امنیتی چین از اولویت اول برخوردار بوده و به نوعی این منطقه خط مقدم رقابت استراتژیک چین و ایالات متحده محسوب می‌شود و با بررسی اسناد ناظر بر رابطه چین با کشورهای منطقه و نگاه به سابقه ارتباط چین با کشورهای مختلف در خاورمیانه می‌توان پیش‌بینی کرد که چین خواهان به چالش کشیدن حضور نظامی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه در آینده نزدیک نخواهد بود.

با این حال، گسترش روابط راهبردی با کشورهای مهم منطقه و به طور ویژه با کشورهای حوزه خلیج فارس از یک‌سو و با کشورهای منطقه جنوب آسیا نظیر پاکستان و افغانستان از سوی دیگر می‌تواند

اساس، انتظار حمایت سیاسی از چین در مسائل منطقه‌ای و به ویژه در عرصه‌های مربوط به رقابت‌های ژئوپلیتیکی با واقعیات سیاست خارجی چین هم‌خوانی ندارد.

## ملاحظات اخلاقی

### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

همه اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

### حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

### مشارکت نویسندگان

کلیت مقاله با مشارکت دو نویسنده تهیه و تنظیم شده است.

### تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع فارسی

رئیس‌نژاد، ا. (۱۳۹۹). نقشه چین برای جهان آینده.

## References

- Al-Tamimi, N. (2012). *China- Saudi Arabia relations: Economic partnership or strategic alliance?* Durham: Durham University. [Link]
- Begcecanli, B. (2021). *S. Arabia becomes largest oil supplier to China in 2020*. Ankara: Anadolu Agency. [Link]
- CGTN. (2021). Live: Peek into the fifth China-Arab States Expo in NW China's Yinchuan City. Retrieved from: [Link]
- Chen, Y. (2020). Graphics: How is BRI bolstering China-Saudi Arabia ties? Retrieved from: [Link]
- Fulton, J. (2019). *China's changing role in the Middle East*. Washington: Atlantic Council. [Link]
- Garlick, J., & Havlová, R. (2020). China's belt and road economic diplomacy in the Persian Gulf: Strategic hedging amidst Saudi- Iranian regional rivalry. *Journal of Current Chinese Affairs*, 49(1), 82-105 [DOI:10.1177/1868102619898706]
- Ghiselli, A., & Giuffrida, M. G. E. (2020). China as an off-shore balancer in the Middle East and North Africa. *The Rusi Journal*, 165(7), 10-20. [DOI:10.1080/03071847.2021.1905543]
- Globalink. (2021). 5th China-Arab states expo opens in NW China. Retrieved from: [Link]
- Yin, H. ( 2021). China and Arab States to advance strategic partnership to a higher level. Retrieved from: [Link]
- Saleh, A., & Yazdanshenas, Z. (2020). Iran's pact with China is bad news for the west. Retrieved from: [Link]
- Garlick, J. (2019). *The impact of China's belt and road initiative from Asia to Europe*. London: Routledge [DOI:10.4324/9781351182768]
- Chen, J., Shu, M., & Wen, S. (2018). Aligning China's belt and road initiative with Saudi Arabia's 2030 vision: Opportunities and challenges. *China Quarterly of International Strategic Studies*, 4(3), 363-379. [DOI:10.1142/S2377740018500203]
- Lons, C., Fulton, J., Sun, D., & Al-Tamimi, N. (2019). China's great game in the Middle East. Retrieved from: [Link]
- Xu, M., & Aizhu, C. (2021). Saudi Arabia pips Russia to be China's biggest oil supplier in 2020. Retrieved from: [Link]
- Scobell, A. (2018). Why the Middle East matters to China. In A. Ehteshamsi, & N. Horesh(Eds.), *China's presence in the Middle East. The implications of the one belt, one road initiative* (pp.1-15). London: Routledge [DOI:10.4324/9781315185736-2]
- Struver, G. ( 2017) . China's partnership diplomacy: International alignment based on interests or ideology. *The Chinese Journal of International Politics*, 10(1), 31-65. [DOI:10.1093/cjip/pow015]
- National Development and Reform Commission, Ministry of Foreign Affairs, & Ministry of Commerce of the People's Republic of China. (2015). Vision and action on jointly building silk road economic belt and 21st-century Maritime Silk Road. Retrieved from: [Link]
- Raesi Nejad, A. (2021). [China's map for the future world (Persian)]. Retrieved from: [Link]
- Yiping, H. ( 2016). Understanding China's belt and road initiative: Motivation, framework and assessment. *China Economic Review*, 40, 314-321. [DOI:10.1016/j.chieco.2016.07.007]